

یکشنبه ۳۱ خرداد۱۴۰۵
 
وطن‌امروز | شماره ۱۶۶۴۱

یادداشت

## کاخ ورسای از فروغی تا ترامپ



ایرانیان دقیقاً یکی از همین مکان‌ها است؛ جایی که بیش از یک قرن پیش (سال ۱۲۹۷ خورشیدی)، نمایندگان ایران برای دفاع از حقوق ملتی جنگ‌زده راهی آن شدند اما حتی اجازه حضور در مهم‌ترین نشست سیاسی جهان را پیدا نکردند.

با این وجود امروز نام «ورسای» بار دیگر در کنار ایران قرار گرفته است؛ این بار در قالب قدرتی که نامش در متن مهم‌ترین معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی دیده می‌شود. در این اثنا همین تقارن تاریخی است که ورسای را دوباره به یک نماد سیاسی تبدیل کرده است.

سسال ۱۲۹۷ هنگامی که کنفرانس صلح پس از جنگ اول جهانی در ورسای تشکیل شد، ایران یکی از بزرگ‌ترین قربانیان خاموش جنگ بود. با اینکه دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود اما خاک کشور به زیر خارچه ایران و همراهانش که پاریس میان دیدارها، رایزنی‌ها و انتظارهای بی‌حاصل سرگردان ماندند و دست خالی بازگشتند.

فروغی که عضو این هیأت بود، در یادداشت‌های روزانه خود تصویری متفاوت از آن روزها ارائه می‌دهد او از قدم زدن در تالارهای ورسای، دیدن میز مشهور امضای معاهدات و تماشای سالن‌هایی می‌نویسد که قدرت‌های بزرگ درباره سرنوشته ملتها تصمیم می‌گرفتند، در حالی که ایران با همه خسارت‌هایی که دیده بود، از حضور در آن تصمیم‌گیری محروم ماند. شاید همین روایت شخصی فروغی بیش از هر گزارش سیاسی دیگری نشان دهد ایران آن روز گل تا چه اندازه از کانون تصمیم‌سازی جهانی فاصله داشت.

بدیهی است عدم اجازه حضور نمایندگان ایران، نماد ایران ضعیف عصر قاجار است؛ ایرانی که دیگران درباره آن تصمیم می‌گرفتند و سه‌میش از معادلات جهان، تحمل هزینه‌ها بدون حضور در فرآیند تصمیم‌گیری بود. در واقع آنچه در ورسای رخ داد، بازتاب یک واقعیت تلخ‌تر بود؛ اینکه در نظام بین‌الملل، حقانیت به تنهایی برای شنیده شدن کافی نیست. ایران قربانی جنگ شده بود اما قدرت لازم را برای وادار کردن دیگران به شنیدن صدایش نداشت. این تجربه تاریخی بعدها بارها در حافظه سیاسی ایرانیان تکرار شد و به یکی از نمادهای ضعف ساختاری دولت ایران در دوران پیش از استقلال واقعی سلیسی تبدیل شد.

این در حالی است که هنگامی که امروز نام ورسای دوباره در اخبار مربوط به ایران تکرار می‌شود، بسیاری از تحلیلگران غربی ناخوسته به همین مقایسه تاریخی رسیده‌اند پس از امضای تفاهمنامه اخیر در ورسای توسط رئیس جمهور آمریکا، برخی ناظران غربی به بار نمادین این مکان اشاره کردند.

در این زمینه یک روزنامه‌نگار اسکاتلندی نوشت «انتخاب ورسای برای امضای چنین توافقی می‌تواند یکی از عجیب‌ترین و حتی تحقیرآمیزترین نمادهای دیپلماتیک برای آمریکا باشد». زیرا همان مکانی که روزگاری ایران از ورود مؤثر به آن محروم شده بود، اکنون به صحنه توافقی تبدیل شده که بدون در نظر گرفتن قدرت و نقش ایران اساساً امکان شکل‌گیری نداشت. جناز دآوری‌های سیاسی درباره مفاد این تفاهمنامه، اصل ماجرا در جای دیگری نهفته است: «تغییر جایگاه ایران».

تفاوت اصلی میان ایران ۱۲۹۷ و ایران ۱۴۰۵، میزان اثرگذاری است. در آغاز قرن چهاردهم شمسی، ایران موضوع تصمیم‌گیری‌های بزرگ بود اما در آغاز قرن پانزدهم به بسیاری از پرونده‌های منطقه‌ای و امنیتی، قدرت‌های بزرگ ناچارند ایران اسلامی را به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در محاسبات خود لحاظ کنند.

این تحول نتیجه مسیری طولانی از بازسازی قدرت ملی، تثبیت استقلال سیاسی، توسعه توان دفاعی، پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، گسترش نفوذ منطقه‌ای و شکل‌گیری ظرفیت‌های راهبردی ایران اسلامی در ۵ دهه گذشته است. کشوری که روزی برای طرح شکایت خود پشت درهای بسته ورسای منتظر می‌ماند، اکنون به بازیگری تبدیل شده که درباره بسیاری از تحولات غرب آسیا نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مواضع آن تصمیم گرفت.

البته اهمیت این مقایسه تاریخی زمانی ارزشمند است که امکان فهم بهتر تحولات امروز را فراهم کند. مقایسه ایران ۱۲۹۷ با ایران امروز در حقیقت مقایسه ۲ موقعیت متفاوت در ساختار قدرت جهانی است؛ یکی در جایگاه کشوری که دیگران درباره آن تصمیم می‌گرفتند و دیگری در جایگاه کشوری که تصمیم‌های دیگران ناگزیر از در نظر گرفتن آن است. شاید مهم‌ترین نکته در این میان، آن باشد که ورسای درباره رابطه قدرت و جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل سخن می‌گوید. این در حالی است که تجربه یک قرن پیش نشان داد بدون قدرت، حتی حقانیت نیز شنیده نمی‌شود و تجربه امروز نشان می‌دهد هر میزان اثرگذاری سیاسی و دیپلماتیک، بر بستری از قدرت ملی شکل می‌گیرد. از این رو، ورسای برای ایرانیان آیینهای است که فاصله میان ۲ دوره متفاوت از حیات سیاسی ایران را به نمایش می‌گذارد؛ فاصله‌ای که شاید مهم‌ترین کلید فهم آن، درک تغییر جایگاه ایران اسلامی در معادلات جهانی باشد.

**گروه سیاسی:** در پی نقض مکرر و پی در پی تفاهمنامه پایان جنگ میان ایران و آمریکا از سوی رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران اقدام به بستن مجدد تنگه هرمز کرد. اقدام تهران نه‌تنها واکنشی فوری به ادامه جنایات رژیم اشغالگر در جنوب لبنان است، بلکه پیامی روشن به واشنگتن ارسال می‌کند: هرگونه بدعهدی، عواقب سنگینی خواهد داشت.

■ **ادامه حملات رژیم به جنوب لبنان بر خلاف بند نخست تفاهمنامه**
بند اول تفاهمنامه پایان جنگ میان تهران و واشنگتن که با میانجی‌گری پاکستان حاصل شد، به صراحت بر لزوم خاتمه جنگ و حملات در همه جبهه‌ها بویژه جنوب لبنان تأکید دارد. این بند، آمریکا را موظف می‌کند از نفوذ و اهرم‌های خود برای وادار کردن رژیم صهیونیستی به توقف کامل عملیات نظامی و عقب‌نشینی از اراضی اشغالی جنوب لبنان استفاده کند. خاتمه جنگ در لبنان، به عنوان پیش‌شرط اصلی و بنیادین پایداری کل توافق تلقی می‌شد و اجرای آن باید بلافاصله پس از امضای یادداشت تفاهم آغاز می‌شد. با این حال، در چند روز گذشته، ارتش صهیونیستی با نادیده گرفتن کامل تعهدات صریح بند اول، به حملات خود ادامه داد. گزارش‌ها از بمباران مداوم مناطق مسکونی، کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان و آوارگی صدها هزار لبنانی در جنوب و عدم عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر حکایت دارد.

ادامه تجاوزات را می‌توان بخشی از استراتژی رژیم برای تثبیت این گزاره دانست که تعهدات آمریکا به معنای تعهد اسرائیل نیست. رژیم صهیونیستی که مستقیماً طرف تفاهمنامه نبوده، خود را ملزم به اجرای آن نمی‌داند و با حملات مستمر، تلاش می‌کند اهرم فشار بر ایران ایجاد کند. این رویکرد، تجربه تلخ ایران روز توافقی‌های پیشین مانند برجام را تدامی می‌کند؛ جایی که تعهدات کاغذی در برابر اراده واقعی طرف مقابل، فاقد ارزش عملی بود.

اکنون بدعهدی آمریکا در کنترل متحد خود، سؤال‌های جدی درباره جدیت واشنگتن در اجرای توافق ایجاد کرده است. آیا آمریکا واقعاً قادر به مهار صهیونیست‌هاست یا این نقض‌ها نشانه‌ای از هماهنگی ۲ رژیم است؟ ادامه این وضعیت، اساس تفاهمنامه تهران و واشنگتن را تهدید می‌کند و ایران به هیچ عنوان نمی‌توانست در برابر جنایات رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان و بی‌هزینه ماندن عدم اجرای تعهدات آمریکا بی‌تفاوت بماند.

■ **بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران**

در واکنش به نقض فاحش تفاهمنامه، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) روز گذشته با صدور اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد تنگه هرمز به روی تردد شناورها بسته شد. این تصمیم، بر اساس اصول دفاع مشروع، حفظ منافع ملی و بازدارندگی فعال اتخاذ شده و نشان‌دهنده آمادگی کامل نیروهای مسلح ایران برای دفاع از حقوق خود است.

در اطلاعیه قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) آمده است: «نظر به بدعهدی و پیمان‌شکنی آشکار آمریکا نسبت به عدم اجرای بند اول تفاهمنامه پایان جنگ و بستن واکنش به نقض بی‌وقفه و مستمر آتش‌بس توسط رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان و کشتار بی‌رحمانه و آوارگی صدها هزار نفر از مردم مظلوم این سرزمین، همچنین با توجه به عدم عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر صهیونی از اراضی جنوب لبنان، اعلام می‌دارد تنگه هرمز به روی تردد شناورها بسته شد.»

**پس از اعلام ایران مبنی بر انسداد تنگه هرمز نتانیاهو دستور توقف حملات به لبنان را صادر کرد**

# هرمز



صهیونیستی والا با بازنشر خبر توقف حملات ارتش اسرائیل به دستور نخست‌وزیر رژیم نوشت: «فشارهای ایران موجب به عقب‌نشینی دوباره می‌کند».

با همه اینها، اقدام ایران در بستن تنگه هرمز، به طور مشخص نشان‌دهنده آن است که جمهوری اسلامی به طور جدی ناظر بر اجرای تعهدات آمریکا در تفاهمنامه است و هر نقض عهدی، مساوی با واکنش متناسب و قاطع ایران خواهد بود. این سیاست، بر پایه اصل «تعهد در برابر تعهد» بنا شده و هیچ‌گونه بدعهدی را بدون هزینه نمی‌گذارد.

بسته شدن تنگه هرمز پیام صلح از طریق قدرت است؛ ایران به دنبال جنگ نیست اما در برابر نقض عهد طرف مقابل هم دست‌بسته نیست. نظارت جدی بر اجرای توافق، تضمین‌کننده پایداری آن خواهد بود و هر نقض، واکنش قاطع به همراه خواهد داشت.

■ **سفر هیأت ایرانی به سوییس برای پیگیری تعهدات، نه مذاکره جدید**

در همین حال سخنگوی وزارت امور خارجه در گفت‌وگوی تلویزیونی روز شنبه ۳۰ خرداد، به تفصیل مواضع ایران را تشریح کرد. اسماعیل باقانی با پاسخ به پرسش‌هایی درباره اهداف سفر هیأت مذاکره‌کننده به سوییس تأکید کرد این سفر فاقد دوم مذاکرات نیست. وی اظهار کرد: «این سفر قرار بود روز جمعه انجام شود و عمدتاً برای امضای یادداشت تفاهم بود. خب! یادداشت تفاهم به صورت دیجیتال توسط روسای جمهوری ۲ کشور امضا شد، بنابراین فوریت برگزاری این جلسه دیگر وجود ندارد».

سخنگوی دستگاه دیپلماسی افزود: این سفر «جهت پیگیری اجرای تعهدات طرف مقابل» است. با توجه به تجربه بدعهدی‌های گذشته، ایران در مرحله اجرا

از دیدگاه راهبردی، بستن تنگه هرمز اهرم قدرتمندی است که می‌تواند اقتصاد دنیا را تحت فشار قرار دهد. بیش از ۲۰ درصد نفت خام جهان از این آبراه عبور می‌کند و هرگونه اختلال در آن، قیمت انرژی را به‌شدت افزایش خواهد داد. چه آنکه در طول جنگ ۴۰ روزه نیز جمهوری اسلامی ایران با اعمال کنترل و اقتدار بر این آبراه راهبردی جهان، هزینه آن را به دنیا نشان داد. در همین رابطه نیز شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان روز گذشته گزارش داد: «خسارت اقتصادی انسداد ۴ ماهه این آبراه حیاتی ناشی از جنگ ایران، ماه‌ها بر اقتصاد جهان سایه خواهد افکند».

در همین راستا، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اطلاعیه‌ای صادر و بر بسته بودن کامل تنگه هرمز تأکید کرد.

در اطلاعیه نیروی دریایی سپاه آمده است: «با توجه به جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان و نقض تعهدات آمریکا در برقراری آتش‌بس، تنگه هرمز بر روی همه شناورها بسته است. تأکید می‌شود تنگه هرمز بسته است و شناورها به تنگه هرمز نزدیک نشوند؛ در غیر این صورت امنیت آنها به مخاطره خواهد افتاد».

به فاصله تنها کمتر از یک ساعت از اعلام قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا مبنی بر بسته شدن تنگه هرمز به روی شناورها، رسانه‌های صهیونیستی خبر دادند و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر و اسرائیل کاتس، وزیر جنگ رژیم دستور توقف عملیات نظامی در لبنان را صادر کردند. با این حال، نتانیاهو اعلام کرد حضور نظامی ارتش رژیم در مناطق تحت اشغال لبنان، تداوم خواهد داشت.

در همین حال، رسانه‌های صهیونی از دستور نتانیاهو برای توقف حملات در لبنان، به عنوان تحویل معادله جدید از سوی ایران به اسرائیل تعبیر کردند. رسانه

## قمار ترامپ با کارت جولانی

۵- **وجود انگیزه لازم در تحریرالاشام:** قابل کتمان نیست که حزب‌الله بیش از دیگر اضلاع محور مقاومت، نقشی مستقیم در سرکوب تکفیری‌ها در جنگ داخلی سوریه و حفظ نظام اسد تا پیش از فروپاشی آن ایفا کرد. پیشنهاد مداخله تحریرالاشام در لبنان دقیقاً با آگاهی از نگرش‌های سلفی و ضدشعبی تحریرالاشام و رهبرانش مطرح شده است؛ منازعه‌ای که در صورت تحقق، ضمن مستهلک کردن حزب‌الله و تضعیف گروه‌های ضدصهیونیستی در شامات، همزمان بخشی از توان تحریرالاشام را به عنوان گروهی که برخی راست‌گرایان حاکم بر تل‌آویو آن را تهدیدی بالقوه می‌پندارند - به‌ویژه شبه‌نظامیان خارجی وابسته به آن - نیز درگیر نزاعی جدید خواهد کرد.

■ **متغیرهای مؤثر در ورود تحریرالاشام به صحنه نزاع علیه حزب‌الله**
شبکه صهیونیستی کان اخیراً در گزارشی مدعی شده رئیس جمهور آمریکا حدود ۶ هفته پیش این پیشنهاد را به نمایندگان رژیم صهیونیستی و لبنان ارائه کرده و ۲ طرف ایده ورود ضدشعبی به لبنان به منظور ادعای کنترل حزب‌الله را رد کرده‌اند. فارغ از صحت و سقم ادعای مذکور، متغیرهای متعدد داخلی و منطقه‌ای می‌تواند در به‌شدت محدودش خواهد کرد. شبکه کان در گزارشش ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع را در نقش کاتالیزور طرح فوق یا ایجاد مانع در برابر آن به ابغای نقش بپردازد. در سطح داخلی سوریه و به رغم اشتیاق سلفی‌ها به نزاع با حزب‌الله، نگرانی اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه نظیر ارکاد، دروزی‌ها، ارمنی‌ها، آشوری‌ها، علویان و مارونی‌ها نسبت به سیاست‌های بنیادگرایانه تحریرالاشام در داخل، همچون سدی پیش روی تحقق این ایده ارزیابی می‌شود. حمله تحریرالاشام به حزب‌الله، فارغ از امکان یا عدم امکان خلع سلاح مقاومت، اقلیت‌های سوری را به نیروی گریز از مرکز و جدایی‌طلب تبدیل خواهد کرد. از سویی، ورود به جبهه لبنان در میانه خشم مسلمانان از جنایات رژیم، چهره الشرع